



HAL
open science

Fakhereh Moussavi

► **To cite this version:**

| Fakhereh Moussavi. : . Open Society , 2013. <hal-01382223>

HAL Id: hal-01382223

<https://hal.science/hal-01382223>

Submitted on 18 Oct 2016

HAL is a multi-disciplinary open access archive for the deposit and dissemination of scientific research documents, whether they are published or not. The documents may come from teaching and research institutions in France or abroad, or from public or private research centers.

L'archive ouverte pluridisciplinaire HAL, est destinée au dépôt et à la diffusion de documents scientifiques de niveau recherche, publiés ou non, émanant des établissements d'enseignement et de recherche français ou étrangers, des laboratoires publics ou privés.

خلاصه

وقتی در اسناد تاریخی، از زنان سخنی به میان‌آمده، کمتر به ریشه‌هایخواست‌های زنان توجه شده است. این‌سوال در بطن جنبش زنان در افغانستان مطرح است که جنبش‌روشنفکرانه‌ی چپ‌گرای در خواسته‌های زنان داشته است؟ زنان در جریان این جنبش‌گونه‌ها از چه راه‌هایخواست‌های خود را مطرح می‌کردند؟ این‌خواست‌ها از چه مشکلات و مسایلی اجتماعی‌سرچشمه‌ی گرفتند؟ سوالات بسیار دیگری نیز هست که به دلیل فرهنگ‌سفا‌های این منطقه و عدم ثبت آن‌ها، هیچ‌گاه به آن‌ها جواب داده نشده است، یا این‌که روشن‌فکران در پی‌اس‌خ‌گویی به این سوالات تنبوه‌اند.

جریان‌های روشن‌فکری در افغانستان، خود وابسته به کشور‌های همسایه‌اند. ایدئولوژی‌روشن‌فکران این جریان‌ها رابطه‌ی ریشه‌ای با وضعیت زنان افغان نداشته است. دلایل‌سلی‌این‌مسأله را می‌توان در شکافتار یخ‌یکه‌بین جامعه و روشن‌فکران وجود دارد، جست‌وجو کرد. در این‌نگاشته‌کوتاه، نگاهی به جریان‌های روشن‌فکری در افغانستان خواهیم داشت و نگرش آنان به زنان و خواسته‌های زنان را بررسی خواهیم کرد.

جنبش‌روشن‌فکری و زنان

اگر جنبش‌های روشن‌فکری را پی‌گیری کنیم، باید نگاهی به کلتاریخ منطقه داشته باشیم. برخی از جنبش‌های فکری پیش از اسلام و بعد از اسلام به وجود آمده و به مرور زمان و در پی حوادث کم‌نگشده‌اند. این جنبش‌ها بیشتر در ادبیات‌جلوه‌گرند. در این حوزه به دلایل فرهنگی، بیشتر ین نشانه‌ها حفظ شده است؛ اما در سایر موارد این نشانه‌ها بسیار کم‌نگاند. جنگ‌گ‌ریز‌های منطقه‌ای باعث از بین رفتن اسناد شده است. بسیاری از اسناد در هجوم‌های گسترده نابود شده‌اند و فقط نامی از آنان باقی‌مانده است. در این‌میان، رد پای جنبش‌های روشن‌فکری هم چندان مشهود نیست.

دلایل‌گیری‌کمی‌توان به آن اشاره کرد، عدم رشد آزادی‌بین به دلایل‌ستبدادی‌بودن حکومت‌ها و زیرزمینی‌شدن جنبش‌های فکری است. مثلاً یکی از جنبش‌های فکری، جنبش «اخوان‌الصفاء» [۱] است که در سرزمین‌سپس از اسلام به وجود آمده است؛ اما کمتر از این جنبش‌شنویم؛ به خاطر این‌که وضعیت سیاسی‌سرزمین‌های اسلامی، اجازه فعالیت‌آزادانه به این جنبش‌شنمی‌داد.

اما اگر بخواهیم به جنبش‌های فکری در عصر جدید اشاره کنیم، باید توجه داشته باشیم که با ورود واژه‌روشن‌فکر، این جنبش‌ها شکل‌نوتری به خود می‌گیرند. روشن‌فکر، برای اولین بار از نظریه‌های کارل مارکس وارد جنبش‌ها می‌شود. مارکس‌تئوری‌ف‌خاص‌ی‌ای‌روشن‌فکر دارد و معتقد است که بدون روشن‌فکر، نمی‌توانیم منتظر تغییرات در جامعه باشیم. به نظر وی، هر دوره‌ای، روشن‌فکر خاص خود را دارد که نسبت به زمان و مکان‌آگاهی دارد و برای تغییر در وضعیت جامعه‌اش اقدام می‌کند.

مشخص‌روشن‌فکر، «آگاهی» است. این‌آگاهی، باعث می‌شود که روشن‌فکر علیه نابرابری‌هایی که در جامعه‌اش می‌بیند، قیام‌کند و برای اصلاح آن تلاش کرده و راه‌حل منطقی‌ارائه‌دهد. این راه‌حل خودش باعث رشد عقل‌گرایی شده و منجر به دگرگونی، رشد و اصلاح جامعه می‌شود. این‌پروسه، به مرور زمان،

تبدیل به جریان می‌شود؛ یعنی افرادی که تحت تأثیر اندیشه‌های عقل‌گرایانه هستند، ترجیح می‌دهند بر ایحل و فصل مسایل اجتماعی و سیاسی، از روش‌هایی استفاده کنند که عقل‌گرایانه‌تر به نظر می‌رسند. بنابراین، روشنفکری در همه‌دوره‌ها با عقل‌گرای هم‌راه بوده است.

جریان‌های روشنفکری که در افغانستان شکل گرفته‌اند، بیشتر تحت تأثیر جنبش‌های روشنفکری در کشور های هم‌جوار بوده‌اند؛ یعنی غیر از یک‌دوره کوتاه که منتهی به جنبش مشروطه در سال ۱۳۸۴ شمسی شد [۲]، سایر جنبش‌ها از نظر ایدئولوژی وابسته بوده‌اند. جنبش مشروطه از این جهت در ردیف جنبش‌های روشنفکری قرار می‌گیرد که ریشه در حلقه‌های روشنفکران شکل گرفته از قرن ۱۹ میلادی در بین مردم افغانستان داشته است؛ حلقه‌های ادبی-اجتماعی که منجر به شکل‌گیری و انتشار روزنامه‌سراج‌الخبار شده بود. روشنفکران این جنبش، نگاه‌های واقع‌گرایانه به مسایل سیاسی و اجتماعی در افغانستان داشته‌اند [۳].

این واقع‌گرایایی از پارامترهای مهم در جنبش عقل‌گرایی [۴] است؛ عقل‌گرایی‌ای که به مفهوم رشد و تعالی جامعه و روشنفکران بر اساس منطق است. رشد عقل‌گرایی، تغییرات وسیعی را در جامعه افغانستان می‌طلبد، که بر این نظام استبدادی قابل تحمل نبودند. به همین سبب، این روشنفکران مدام تحت فشار حکومت‌های وقت بوده‌اند.

طبق اسناد موجود، در میان اعضای جنبش فعالان، از زنان نام برده نشده است؛ در حالی که در این دوره زنانی بوده‌اند که اصلاحات در وضعیت اجتماعی را می‌خواستند؛ زیرا در دوره امیر عبدالرحمان خان، چهره‌هایی مانند «ببو جان» همسر امیر است که خواهان تنظیم قوانین برای احقاق حقوق زنان بوده است. ببو جان، به عنوان یک زن فرهیخته، توانست با فوئدی که در دربار امیر داشت، قوانینی را برای حقوق زنان به تصویب امیر برساند [۵]. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که زنان نیز در حال فعالیت بوده‌اند، تا وضعیت اجتماعی و سیاسی خود را بهبود ببخشند؛ اما شکل فعالیت آنان متفاوت بوده است.

دلیلی که می‌تواند بارهٔ عدم توجه این جریان سیاسی به زنان ذکر کرد، سرکوبش دید روشنفکران توسط حاکمان بوده است. وضعیت سیاسی و اجتماعی نامناسب، این فرصت را برای جریان‌های روشنفکری فراهم نکرده است که آن‌ها در یک‌دوره محدود، به این مسأله بپردازند.

اگر دقیق‌تر جست‌وجو کنیم، در صد سال گذشته، یافتن زنان اندیشمند در جامعه افغانستان مشکل به نظر نمی‌رسد. زنانی که در ادبیات و زمره‌شان نیز از اشعار اندیشمندان مشروطه استفاده می‌کرده‌اند، زیاد بوده‌اند. به عنوان مثال، در نهضت نسوان، زنانی آگاهی پروردهٔ جریان‌های اجتماعی و سیاسی وجود داشته‌اند که وضعیت زنان را نقد می‌کرده‌اند. روزنامه‌هایی که در دهلی و استانبول به زبان پارسی منتشر می‌شدند، هر از گاه اینامه‌هایی از زنان را منتشر می‌کردند که نشان از نگاه‌های روشنفکرانه زنان به وضعیت خودشان دارد. این نقادی، در آثار ادبی زنان شاعر بیشتر مشهود است. شعر انس بسیار بی‌افز هنگشاهی دارد. مردم اگر به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نمی‌توانستند اسناد را ثبت کنند، اشعار را به راحتی می‌توانستند دهان‌به‌دهان منتقل کنند؛ و تقریباً اکثر اقشار در اقصی نقاط، شمه‌ای از آن را می‌شنیدند. اما انتشار آن به صورت چاپی، برآید سبب مهم‌تر اقشار جامعه امکان‌پذیر نبوده است.

در بین زنان شاعر، می‌توان از زنانمانند محبوبه هروی (۲۸۵ش) [۶] و مخفیدخشی

(۲۵۸ش) [۷] یادکردکهاشعارشان از آزادی، وضعیت جامعه، حسرت، خشونت، تعصب و تاریکدلی سخن می‌گویند و این نشان‌دهنده آگاهی‌های زنان از وضعیت اجتماعی و سیاسی دوره آنان بوده است. این واقعیت در نگاشته‌های این دو شاعر، به خوبی نشان داده شده است.

«بلبل نه هر ز هاین هم‌مهر یادمی‌کند

بیچار ه‌آشیانه خود یادمی‌کند

محبوبه در ترانه آزادی بشر

نفرین به ظلم و وحشت یادمی‌کند»

در این دو بیت کلمات مدرنی مثل فریاد، آزادی بشر، ظلم، وحشت یا همان خشونت به کار برده شده‌اند. کار برد اینواژه‌ها، نشان می‌دهد که آزادی خواهی در بین زنان این دوره هم بحث مهمی بوده است. ظلم را می‌توان در تمام لایه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی دریافت. فریاد بلبل، خودشنودی از قیام علیه ظلم است. هر چند در جامعه آن روز ندای روشنفکر نمی‌توانست وضعیت جامعه را متحول کند، اما در برابر این خشونت سکوت اختیار نکرد [۸].

مخفیدخشینیز از سیاست زخم‌ها خورده است و این عامل باعث شده که دیدگرتری از شکنجه‌هایی که در دوره خود می‌گذرد، نداشته باشد. بیتذیل از او، علاوه بر نشان‌دادن دیدگاه عارفانه بدخشی به زندگی، به وضعیت اجتماعی هم نظری دارد.

«مقصود من از کون و مکان آن یار است

نه میل به جنت و نه خوف از نار است» [۹]

مشهود است که این دو شاعر زن برآمده از تحولات روشنفکری در افغانستان‌اند. زنانیکه تحت تأثیر جریان‌های روشنفکر بر خاسته از سرزمین خود هستند. اگر بیشتر در جامعه افغانستان جست‌وجو کنیم، خواهیم دید که از این دست زنان که روشنفکران برخاسته از وضعیت سیاسی اجتماعی مان‌اند. بسیارند.

اینجریان اما در نیمه دوم قرن بیستم، دچار ضعف شد. این ضعف تنها به دلیل جنگو

درگیری‌های سرزمینی نیست؛ بلکه نتیجه سیاست‌های ناهمگن سیاست‌مداران در این سرزمین است. نوسازی سیاسی اجتماعی همان مدرنیز کردن جامعه و سیاست در افغانستان، می‌تواند تأثیرگذارترین عامل در ضعف این جنبش باشد. تیوری‌های مدرن به شدت سنت را نقد می‌کنند و جنبش روشنفکری زنان نیز در این حوزه به وسیله سیاست‌مداران نوسازی و ابزار برابری نام‌های سیاسی، قرار می‌گیرند.

این عامل باعث شد که روشنفکری به معنای آگاهی از وضعیت سیاسی اجتماعی زنان، از جنبش زنان رخت برکشد و نتواند بیدار سیاسی و اجتماعی در بین زنان را گسترش دهد.

۱، جنبش اخوان الصفا پس از اسلام به وجود آمد. به سبب ممنوع بودن فلسفه یونان در سرزمینهای اسلامی، این جنبش، کتابهای فلاسفه بزرگ یونانی را به صورت پنهانی به فارسی و عربی ترجمه میکردند و به این طریق بسیاری از علوم یونانی به علوم اسلامی اضافه شده است. [۱]

[۲]. جنبش مشروطه در افغانستان در دوره امیر حبیب الله خان شکل گرفت.

[۳]. نگاهیبیندازید به کتاب عبد الحییبی، جنبش مشروطیت در افغانستان، انتشارات دولتی، سال ۱۳۶۳، در لینک زیر نیز میتوانید کتاب را به صورت ان لاین مطالعه فرمایید:

https://archive.org/details/azu_acku_ds369_4_hay29_1363

[4]. Rationalisme.

[5]. بیبیلی میهابوبو جان، همسر امیر عبدالرحمن خان بوده است که در سن چهارده سالگی روی به شاعری آورده است. وی از زنان ادیب و روشنفکر دوره خود بوده است.

[۶]. محجوبه هروی نام اصلیش «صفورا» دختر سکندر خان نظام الملک از خانواده سرداران ترک، در سال ۱۲۸۵ هجری شمسی در بادغیس از توابع سابق هرات دیده به جهان گشود. او در جهاد هسالگی اولین اشعارش را سرود و در لابلای اشعار محتوی گوناگون را بیان داشت. محجوبه هروی زنگیز ناشو بیخوبیبا همسر شمیرزا غلام نداشتند تا زمانی که شوهرش زنده بود؛ امکان شرکت در محافل ادبیبرایش میسر نبود. بعدها عضو انجمن ادبی همچنان آموزگار در مکاتب نسوان هرات گردید. دیوان محجوبه هروی با سه هزار بیت در سال ۱۳۴۷ هجری شمسی توسط محمد علم غواص در هرات به زیور چاپار استه گردید. سرانجام در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی در زادگاهش دیده از جهان بست.

[۷]. تولد وی را در سال ۱۲۵۸ هجری شمسی در خلم بدخشان و مرگش را در سال ۱۳۴۲ هجری شمسی در (قره قوز) بدخشان نوشته اند.

شاه مراد شاهی، دوست و منشیشاعر، نام مخفی را «شاه بگم» و لقب وی را سید نسب میداند.

[۸]. نگاهیبیندازید به یادداشت دکتر شعیمجدیدر بار همخفیبدخشی و محجوبه هروی:

<http://archive.mashal.org/content.php?c=shehr>

<http://archive.mashal.org/content.php?c=shehr>

[9]. لطیفناظمی، مخفیبدخشی: شاعر تبعیدشور بخت، مقاله را میتوانید در لینک زیر مطالعه کنید.

<http://www.dw.de/%D9%85%D8%AE%D9%81%D9%8A-%D8%A8%D8%AF%D8%AE%D8%B4%D9%8A-%D8%B4%D8%A7%D8%B9%D8%B1-%D8%AA%D8%A8%D8%B9%D9%8A%D8%AF%D9%8A-%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A8%D8%AE%D8%AA/a-3163787>

<http://www.dw.de/%D9%85%D8%AE%D9%81%D9%8A-%D8%A8%D8%AF%D8%AE%D8%B4%D9%8A-%D8%B4%D8%A7%D8%B9%D8%B1-%D8%AA%D8%A8%D8%B9%D9%8A%D8%AF%D9%8A-%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A8%D8%AE%D8%AA/a-3163787>